



سازمان کارگران انقلابی ایران راه کارگر

پیام کارگر

شماره ۱۳
Bibliothek in ۱۳
بها معادل ۲۰ ریال

ارگان کمیته خارج کشور سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) سال اول نیمه اول بهمن ۱۳۶۶

گرمی باد خاطره قیام ۲۲ بهمن



قیام مسلحانه و شکوهمند ۲۲ بهمن، در تاریخ مبارزات مردم ایران یک روز تاریخی است. نقطه عطفی است بی نظیر و بیادماندنی. ۲۱ و ۲۲ بهمن ۵۷ دو روز ساده و معمولی نبودند. این روزها که شاه تاجلی خشم فروخورده و بنفش متراکم قرنهایستم و محرومیت بود، همچون آواری بر سر طبقات و نظام سیاسی حاکم فرود آمد. زلزله عمیق انقلاب بهمن چنان بود که حتی امروز پس از گذشت چند سال از حاکمیت ضد-انقلاب آنها رآن از میان توده های زحمتکش زایل نگردیده و گنجی ناشی از آن در میان دشمنانش احساس میشود.

قیام بهمن ولی بیش از هر چیز مکتبی است که نسل های انقلابی امروز و فردا های ایران را سیراب میکند و آموزش های آن با گذشت زمان کهنه نمیشوند. این قیام چنان در سبهای گرانقدری بجا گذاشت که بقیه در صفحه ۲

گزارش جدید کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد در مورد ایران

کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد در گزارش دوره ای خود نقض حقوق بشر در ایران را مطرح نموده است. مطابق این گزارش در ۶ سال گذشته بیش از چهارده هزار نفر در ایران اعدام شده اند و شکنجه به عنوان یک امر عادی در زندان ها بکار می رود. گزارش میگوید اعدام و شکنجه ادامه داده شده و حکومت فقها از پذیرش درخواست این کمیته برای بازرسی از وضع زندان ها و حقوق بشر در ایران بطور جدی خودداری میکند.

یک، دو، سه،
فلسطین آزادخواهد شد
گزارش تظاهرات برای
همبستگی با انقلاب فلسطین
در صفحه ۷

گوشه هایی از شرایط زندگی
و بیکاری
معدن چیا ن آفریقای جنوبی
در صفحه ۸

"کمک های غیبی" و بقاء جمهوری اسلامی

در صفحه ۵

یک مجله ترکی افشاء کرد:

کشتار پناهندگان ایرانی

توسط ژاندارمهای ترکیه

در صفحه ۳

اعتراض پناهندگان به سیاست های جدید دولت

در تاریخ ۲۱ دیماه سال جاری در اعتراض به سیاست های جدید دولت آلمان علیه پناهندگان که به نوبت رزی در شرایط حاکم بر دگا های دولت فدرال خود را نشان میدهد و هر روز بر شمار "ردی ها" افزوده میشود تظاهراتی از طرف جمعی از پناهندگان "ایرانی" و "ایتالیه ای" در شهرهای بدلبرگ آلمان غربی برگزار شد. در این تظاهرات حدود ۱۵۰ نفر ایرانی و ایتالیایی شرکت داشتند و اعلامیه هایی به زبان فارسی و آلمانی پخش کردند. در این اعلامیه شرایط دشوار کمبرای ایران و سیاست ضد مکرراتیک دولت آلمان تشریح گردیده بود.

اتحاد شوروی:

دمکراتیزاسیون

جوهر بازسازی و سوسیالیسم است

در ۸ ژانویه نشتی در محل کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی برگزار شد که در آن مسئولین رسانده های جمعی و بعضی اتحادیه های کارگری (رشته های هنری و...) و نهادهای ایدئولوژیکی به گفتگو دربار "بازسازی" پرداختند. میخائیل گورباچف در این نشست ابتدا دگوتاکون بازسازی و مسائل مرحله دوم آن را مورد بحث قرار داد. او گفت مرحله اول که شامل فرموله کردن مبانی بازسازی بوده با بیان یافته و مرحله اصلی که اجرای آنست آغاز میگردد. او از سال ۱۹۸۷ بعنوان سالی که مبنای روند جدید قطعیت یافت و در سبهای بزرگی حاصل آمدیا دکرد. او گفت حزب را خود را انتخاب کرده و باید با طبیعت پیش رفت و سیر جریانی را غیر قابل بازگشت نمود. این تغییرات در حیات کشور و سوسیالیسم و در سرنوشت جهان تاثیر عظیم دارد. او تاکید کرد که در سبدهای واقعی برای بهبود بنایب بین المللی پدید آمده و تظاهراتی شوروی بقیه در صفحه ۵

گرامی باد خاطره قیام ۲۲ بهمن

زمان، تنها غنای آن را آشکارا نخواهد کرد.

از انقلاب بهمن ولی همه به یکسان نمی آموزند، و کم نیستند احزاب و افرادی که از بهمن فقط بعنوان یک درس تلخ یاد می کنند. کمونیستها و انقلابیون اما هرگز به پیش از روز پیش برآموزشهای بهمن تکیه می کنند، و از آن الهام می گیرند. هرگامی که جنبش انقلابی به پیش میگذارد، اهمیت با زنگری درسهای بهمن و دقیق تر شدن به عمق تجارب آن ضرورت بیشتری می یابد. امروز دیگر آموزشهای چون قیام کارآموزهاست، تاریخ را توده ها میبازند، جزو آموزشهای اولیه محسوب میگردند. توهم های کودکا نه در باره نقش "پیشا هنگان"، ولجاجت ها که مانع درک اشکال مبارزه توده ای میگردید، و از

همین روایت که با فعال شدن بحث های برنامهای در جنبش چپ طی سالهای اخیر علاقه به بررسی تجارب انقلاب بهمن با ردیگر و ست یا فته است، به اعتقاد ما انقلاب بهمن پاسخ بسیاری از مهمترین سئوالات مربوط به محتوای انقلاب ایران و مناسبات طبقات گوناگون با قدرت سیاسی را بوضوح نشان داده است. آنچه را که مشی کمونیستی می بايست شایده طی سالهای طولانی در تئوری حل و فصل کند در عمل به ثبوت رسانده است. در واقع استراتژی و تاکتیک انقلاب ما یک بار بدست توده ها در کوچه و خیابان و کارخانه ها و روستاها، تحقق یافت. پیدایش شوراها و کنترل کارگری در کارخانه ها، مصادره ساختمان های دولتی و متعلق به سرمایه -

افتادند و انقلاب به این دلیل شکست خورد که مجدد با سمت آن بازگشتند. آیا این تعبیر بمعنای ستایش خود بخودی و بیاندادن به رهبری است؟ مسلماً نه. ما به بر سرجهت گیری و سمت نهائی رهبری است، نه نقض رهبری که در ضرورت تعیین کننده آن تردیدی نیست. ما له نه بر سر وجود یک رهبری - حتی برخاسته از درون خلق - نه بر سر بدست آوردن تفنگ و نه بر سر شکست ماشین دولتی است همه این ها وجود داشتند، ما له محوری و تعیین کننده این است که آیا درجا معه سرمایه داری وابسته ما وقتی قدرت بدست توده ها افتاد با پیداست گیری سوسیالیستی میشد یا گرنمیشد که - نشد - راهی جز از کف رفتن قدرت توده ها و احیای نظام سرمایه داری وابسته و بازسازی ماشین خرد شده دولتی باقی می ماند؟ و نیز اینکه اگر بنا میبود سمت گیری سوسیالیستی شود، در یک جا معه سرمایه داری - چه وابسته و چه غیر وابسته - بجز طبقه کارگر، آیا نیروی انقلابی دیگر میتواند چنین سمت گیری کند؟ جواب ما قاطعانه منفی است. ما له بر سر انقلاب سوسیالیستی نیست، ما له بر سر انقلاب دموکراتیک و در عصر امپریالیسم و بویژه در یک جا معه سرمایه داری وابسته است که بدون سرکردگی و رهبری طبقه کارگر، سمت گیری سوسیالیستی بمحض قبضه قدرت توسط توده ها، محال است و به همین دلیل نیز شکست انقلاب و بازگشت دیکتاتور سرزمین - اگر چه در اشکال دیگرگون شده، قطعی است. بیروزی قیام مدیون اراده انقلابی توده ها و شکست انقلاب ناشی از فقدان سمت آگاهانه و سوسیالیستی این اراده بود.

بزرگداشت هرواقعه ای، آنهم وقایع بزرگ و استثنائی چون انقلاب بهمن از نظر کمونیست ها

مسلماً نه بر سر وجود یک رهبری - حتی برخاسته از درون خلق - نه بر سر بدست آوردن تفنگ و نه بر سر شکست ماشین دولتی است، همه اینها وجود داشتند، ما له محوری و تعیین کننده این است که آیا درجا معه سرمایه داری وابسته ما وقتی قدرت بدست توده ها افتاد با پیداست گیری سوسیالیستی میشد یا گرنمیشد؟

داران توسط زحمتکاران، مصادره زمین ها بدست دهقانان و روستائیان فقیر، مصادره پادگانهای نظامی و مراکز پلیس و تسلیح توده ها، کنترل ادارات و سازمانهای دولتی توسط کارمندان و کارگران به شکل شورائی همه محتوای استراتژی انقلابی را به شکل انقلابی متجلی ساختند. اما این استراتژی بعلت عدم وجود حزب طبقه کارگر تسدوم نیافت و در نیمه راه متوقف شد.

مبانی این استراتژی، که همین امروز نیز محل مشاجره و دوخط مشی انقلابی و رفرمیستی است

تئوری زور و دیکتاتور مطلق بی عملی توده ها را نتیجه میگرفت و در خواب و خیال جنگ توده ای دهقانی سیر و سیاست میکرد، همه با اولین تکان انقلاب بهمن دود شد و دوبه هوا رفتند. و اشکال ویژه مبارزات طبقه کارگر مثل اعتصاب توده ای، قیام شهری و تشکل های شورائی و کنترل کارگری ظهور یافتند. در واقع قیام بهمن فقط کاخ های سلطنت را درهم تگوبید بلکه بسیاری بناهای پوسیده و بسیار توهمات کهنه و پیش داوری ها را درهم ریخت.

"تا مل برانقلاب ایران و بویژه بر قیام شکوهمند خلق در ۲۲ - ۲۱ بهمن میتواند و با پید مکتب آموزش بزرگی برای آینده انقلاب ایران باشد. مکتب قیام بهمن بر راستی اقیانوسی است بیکران و غنی که سالهای سال میتوان در آن به جستجو پرداخت و گوهراهای انقلابی کم نظیری در زوایا و اعماق بکر آن یافت. اقیانوس هنوز در تلاطم است و همه چیز در حال جابجائی است شاید زمانی که امواج آرا میگردند و آب زلال شود بهتر میتوان اعماق آنرا دید. لیکن آن زمان دیگر نوبت محققین است: آموختن از قیام بهمن و یکار بستن درسهای آن در انقلاب آتی اما تنها در پر تودانش ما ر کسیم لنینیسم ممکن است. عمیق شدن در این اقیانوس و رفتن در اعماق آن بدون مسلح بودن به متدولوژی علمی و راهنما قرار دادن ما ر کسیم لنینیسم ممکن نیست. به همین علت است که هر چه بر آگاهیه و دانش ما ر کستی جنبش ما افزوده میگردد، بررسی اسناد گوناگون انقلاب بهمن افق وسیعتری می یابد و جوانان تازه نری از آن بر ما مکشوف میگردد. از

به اعتقاد ما انقلاب بهمن پاسخ بسیاری از مهمترین سئوالات مربوط به محتوای انقلاب و مناسبات طبقات گوناگون با قدرت سیاسی را بوضوح نشان داده است. آنچه را که مشی کمونیستی می بايست طی سالهای طولانی در تئوری حل و فصل کند در عمل به ثبوت رسانده است.

مناسبتی است برای خود آموزی و ارتقاء دانش و توان معنوی، بهانه ای است برای آموختن از توده ها و نقد اشتباهات و ضعف ها. از انقلاب بهمن بیا موزیم تا چیزی برای آموختن به توده ها داشته باشیم.



با پیام کارگر همکاری کنید
و برای آن بنویسید!

در اولین سالگرد انقلاب بهمن، یعنی سال ۵۸ در نشریه شماره ۱۱ راه کارگر اینطور جمع بندی شده است: "تجربه پیروزی قیام و شکست انقلاب نشان میدهد که توده ها میتوانند بدون پیشا هنگ و بدون عنصر مستند دهنده نیز انقلاب کنند و حتی قیامشان پیروز شود، ولی بدون پیشا هنگ، بدون عنصر آگاهی و سمت دهنده، بدون دانستن آنکه قدرت بدست آمده را چگونه باید نگه دارند، با آن چه باید بکنند و به جای ماشین خرد شده چه چیزی باید قرار دهند، قدرت سیاسی را از دست می دهند و انقلابشان دچار شکست میگردد. قیام به این دلیل پیروز شد که توده ها از رهبری جلو

گشتار پناهندگان ایرانی

مجله "نکته" یکی از پرتیراژترین مجله‌های خبری-سیاسی وابسته به محافل لیبرال ترکیه است. این هفته نامه در شماره اخیر خود (سوم ژانویه ۸۸) برده از گشتار پناهندگان و تحویلشان به ایران برداشته است.

"نکته" در مصاحبه‌ای که با پناهندگان ایرانی در اردوگاه پناهندگان در شهر "وان" نمود مسائل و گرفتاری‌های پناهندگان را اینگونه منعکس کرده است:

"پناهندگان بنام "برویز" که در اواسط ماه اکتبر به ترکیه آمده خود شاهد اجساد کشته شدگان در مرز بود. ما است که بنا به اعتراف قاچاقچیان اینان از طرف ژاندارم‌های (ت) کشته شده بود. همین مجله مسئله را روشن نمی‌نماید و پسرد از هویت کشته‌شدگان برمی‌دارد. آنها زن و شوهر به همراه دو بچه بودند که به هنگام عبور از مرز ژاندارم‌های ترکیه برویشان آتش می‌شاند. زن (گهرستار) بود (است) به همراه یکی از فرزندان در دم کشته می‌شوند، شوهرش تحویل ایران داده می‌شود و یکی از فرزندان توسط راهنمانجات پیدا می‌کند. مقامات محلی در برابر این جنایت تنها روی این مسئله که اینان به "اخطار ایست" توجه نمی‌نمودند، انگشت می‌گذارند!

با توجه به اینکه حقوق دانان و مسئولین محلی در آرای سیاسی تشبیه نشده در مقابل پناهندگان ایرانی نیستند، سازمان ملل متحد (شعبه پناهندگان) نیز سیاسی نهایتاً پاسیفیستی در مقابل آن اتخاذ کرده است و این خود برحسب موجود صد چند ان‌دام می‌زند.

مدیر پلیس "وان" در مقابل خبرنگار "نکته" به این مسئله اشاره نموده که در سال ۱۹۸۷ فقط ۷۳ تن ایرانی از طریق کوه آمده‌اند که ما هیچ کدام از اینها را برنگردانده‌ایم، در صورتیکه همین مجله بصورتی بیطرفانه در جستجو و تحقیقات محلی خود از طریق غیر رسمی به این نتیجه رسیده که بطور معمول هر روز ۱۰ ایرانی از طریق کوه به ترکیه پناهندگی می‌شوند که بخش عظیم اینان در عرض یک هفته تحویل مقامات ایرانی می‌شوند، و این بخشی از لیست افرادی است که به ایران تحویل داده شده‌اند: بابک در رود، سید تهریزی، افشین میرمجتهدی، محمد رضا، علیرضا پرتوزاده و... فریدون خاقانی.

این پناهندگان و هم‌اوصد ها پناهندگی بگری که تحویل ایران داده شده‌اند، همه شان در دادگاه "وان" محاکمه شده و دادگاه رأی داده که آنها را خارج شدن از کشور ترکیه باندازند، اما علیرغم این حکم دادگاه، مقامات امنیتی و پلیس آنها را به ایران تحویل دادند.

"نکته" با توجه به اسناد رسمی که در دست دارد این مسئله را عنوان نموده که به غیر از پلیس "وان"، فرمانداری "وان" نیز در تحویل ایرانی‌ها نقش فعالی داشته و تعداد بیشماری از پناهندگان ایرانی را به مقامات دولتی ایران تحویل داد. ما است و جالب اینکه فرماندار "وان"، "اوزد میرخان" از وی "از دید اربا خبرنگار مجله نکته به هر شکلی طفره رفته و نخواسته به این مسائل پاسخ گوید.

بقیه در صفحه ۱۰

رونق بازار مرگ در ایران

توضیح: پترشوت (Peter Schütt) نویسنده ترقی خواه آلمانی طی سفری که اواسط سال ۱۹۸۶ به ایران نمود، مشاهده خود را از اوضاع ایران و تأثیرات جنگ خانمانسوز ایران و عراق بر زندگی توده‌ها را در کتابی به زبان آلمانی به رشته تحریر درآورد. متن زیر ترجمه قسمتهایی از کتاب مزبور است که در نشریه آلمانی AEB (مجله جهان سوم ماهنامه دسامبر ۸۷) بچاپ رسیده.

* * * *

سفری که من به ایران داشتم، در ورتوین سفرد و طول زندگیم بود، این دوری را نه از لحاظ جغرافیایی بلکه بدلیل فلسفی آن می‌گویم. هرگز من در گذشته تا این حد از کشورم، از اروپا، از فرهنگی که از مسیحیت به ارث بردم و از جهان بینی مارکسیستی‌ام فاصله نداشتم، و هرگز در گذشته رجستجوی پیچیدگی‌های درونی این جهان تا این حد در تاریخ فرورفته بودم. هرچند که خط مقدم جبهه را ندیدم و در مناطق نزدیک جبهه نبودم ولی کوشیدم تا حتی الامکان این جنگ را که سبانه ترسین جنگ از قطع پایان جنگ ویتنام است از نزدیک ببینم، و مسلماً امروز دیگر نمی‌توانم با وجدانی به آرامی گذشته به خواب روم. تصاویری که از قبرستان شهیدان بهشت زهرا و یاسربازان در حال مرگ در مسجد فاطمه قم در ذهنم نقش بسته‌اند، مرا یقیناً تا آخر عمرم همراهی خواهند کرد. همانگونه که

شاهد هگورهای جمعی در رجا ده "کامتن" در نزدیکی هانوی راه‌گذر فراموش نخواهم کرد. سفر من به ایران هیچ نتیجه مشخص دیگری به جز مطالبی که در این کتاب جمع‌آوری شده است نداشت. من موفق نشدم که نگاهی به استراتژی جنگی این کشور بیندازم و حتی نتوانستم سوسوهای صلح و پایان جنگ به طریق مسالمت آمیز را مشاهده کنم. ولی آنچه که برای من مسلم است اینست که راه رسیدن به صلح در این منطقه قیام تمام انسانهایی است که زندگی را در دست دارند. چه در شرق، چه در غرب و چه در شمال و در جنوب. درست به این دلیل که من در خود ایران علاقم بسیارم که از صلح مشاهده کردم و درست به این دلیل که در کشور متخاصم ایران و عراق نمی‌خواهند با ابتکار خود سلاح‌ها را کنار بگذارند. امروز از هر زمان دیگر ضروری‌تر است که فشاری بین المللی بر طرفین جنگ و همچنین به کشورهای که آنها را با اسلحه تغذیه می‌کنند و از آنجمله بر کشور خودمان آلمان (که در رابطه با مسائل صلح جهان اگر چه همیشه نقش مهمی را ایفا کرده ولی متأسفانه بندرت از جنبه مثبت آن) افزایش یابد. علاوه بر آن در طی اقامت در ایران به این نتیجه نیز رسیدم که استراتژی تهاجم در زمینه گشتار توده‌ها در کنار خلیج دیگر همانند هفت سال قبل عمل نمی‌کند. نیاز به اطلاعات، مذاکرات و تبادل نظر با مداخله در بین توده‌ها افزایش یافته است. در سطح بین المللی نیز تلاش‌ها برای پایان مسالمت آمیز جنگ کیفیت جدیدی بخود گرفته است. سازمان ملل و شورای امنیت تلاشهایشان را در این زمینه افزایش داده‌اند.

تهران و جنگ

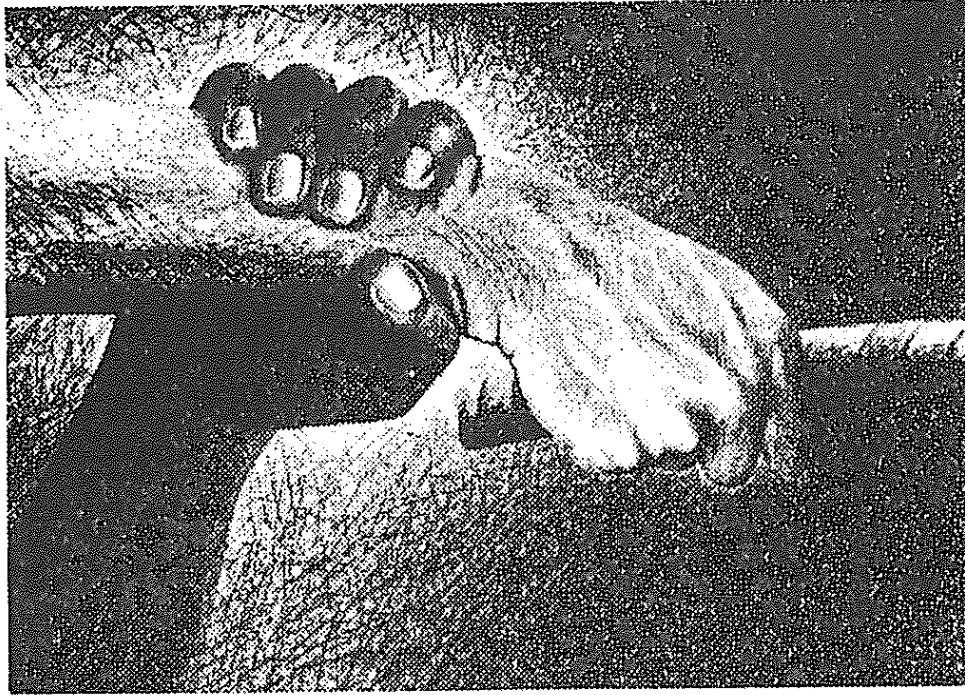
مردم تهران ۷ سال است که تحت فشار جنگ زندگی می‌کنند، جنگ یک مسئله روزمره شده است ولی صرف نظر از زیمب‌ها و واکت‌هایی که گاه و بیگاه در تهران خیرا جنگ می‌دهند، زندگی به طرز شگفت‌آوری روند طبیعی خود را طی می‌کند.

در شمال تهران کسانی را می‌توان دید که موفق شده‌اند خود را از صحنه جنگ کاملاً دورنگه دارند و کسانی نیز که در مقابل این جنگ سودهای سرسام‌آوری به جیب زده‌اند، آقایانی که زنان چادری بپوشان را، ماشینهای لوکسشان را و لباسهای زیبایشان را به نمایش می‌گذارند، و گاهی اوقات برای من این امر تداومی می‌شد که روبروی من کسانی ایستاده‌اند که شاید دل‌اسلحه و یا معامله‌گران جنگ باشند...

ثروت در ایران چند روزمان شاه و چند و دران آیت الله هیچ وقت جنبه منفی نداشته است و حتی سودهای بدست آمده از تجارت اسلحه نیز مایه افتخار است. چرا که در خدمت دفاع از میهن انجام گرفته است! معامله مخفی اسلحه با باصطلاح دشمنان اصلی رژیم یعنی اسرائیل و آمریکا شاید در بین مردم غرب شگفت‌انگیز باشد ولی در مطبوعات ایران به کسانی که موفق شده‌اند "شیطان را گول بزنند" و کارچاقی‌کن معامله‌بده‌اند، لقب قهرمان می‌دهند...

امروزه ایران از جنبه اقتصادی زمین‌خورده است. در آمد وسط زندگی توده‌ها به خصوص پرولتاریای شهری نزول یافته و به سطحی پایین‌تر از زمان شاه رسیده است. زندگی روزانه در قسمت حاشیه شهر (حلبی‌آبادها) به صورت غیرقابل تصویری مشکل‌گرددیده و نیروی تداقعی و انرژی توده‌ها را به تحلیل

بقیه در صفحه ۱۰



گوشه‌های نئی از شرایط زندگی و پیکار معدنچیان آفریقای جنوبی

خلقهای مختلف و اختلافات دیرین در میان پاره‌ای از خلقتها و نیز توسل روزافزون رژیم نژاد پرست به سیاست جماعت و نان شیرینی در رابطه با گروه‌های مختلف کارگری نیز توجه داشت .
علیرغم همه مسائل فوق که سا زمانگری اتحادیه ای وتوده‌های کارگران وزحمتکشان را به یک مشکل پیچیده تبدیل می‌کند ، کارگران پیشرو و رزمندگان کمونیست آفریقای جنوبی در استفاده از کلیه امکانات قانونی و غیرقانونی ، ترکیب شیوه‌های متنوع کار آگاه‌گرانه وسا زمانگرانه ، سا زماندهی مخفی و هلنی ، پیوند خواسته‌های عمومی با خواسته‌های کارگری و توجه به تصاد های د رین کارگران ، خلافت قابل تحسینی از خود نشان داد و وطنی مبارزات جاری کارگری ، با استفاده از اتحادیه‌ها به عنوان " زمین تمرین " برای مبارزات بزرگ آتی ، گامهایی ارزنده در راستای انقلاب برداشتند .

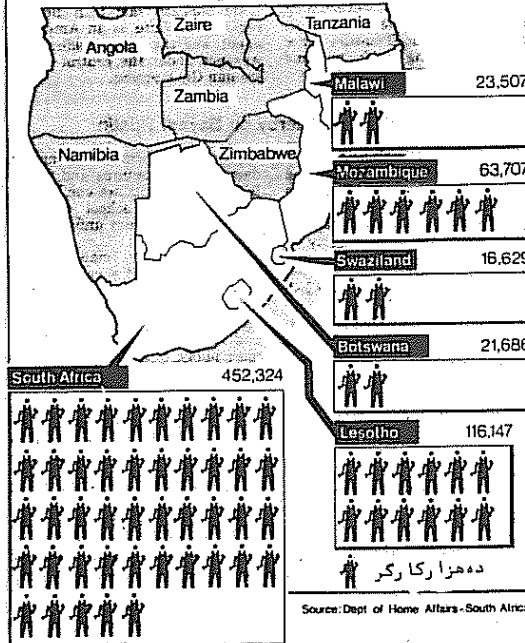
برسند . گاهی آنها سالها در انتظار کار صبر کرده در خیابانها می‌خوابند و خود را با کارهای مختلف برای گذران زندگی مشغول می‌کنند . غالباً آنها را در حال خوردن پوست پرتقال می‌بینید . آنها از بازگشت به خانه اگر ادرند ، زیرا فرزند ان آنها بخاطر گرسنگی گریه می‌کنند . " کارگرانی که شانس بیشتری داشته و کار پیدا می‌کنند در خوابگاههای اطراف معادن زندگی می‌کنند و هررا زچند ماهی به دیدار خانواده خود رفته و برای آنها پول می‌برند . مبارزه متشکل کارگران شاغل که با مشقات بسیار از سوی فعالین اتحادیه‌ها سا زمان داد می‌شود ، همواره در خطر شکست به خاطر وجود انبوه بیگاران قرار دارد . تصاد این دو دسته از کارگران که بعضا دوست و یار برادر یکدیگر هستند ، در رجز و سخناعتصاب معدنچیان به شرکت‌های چند ملیتی امکان داد که در فاصله کوتاهی ، د هها هزار نفر کارگر اعتصابی را اخراج کنند . بسیاری از این کارگران سالها در انتظار کار ، مشقات فوق را تحمل کرده بودند و اکنون در اثار اخراج آنها ، صف جویندگان کار شلوغ تر وسیله مهاجرین افزون تر شد ه بود .

اعتصاب نسبتاً طولانی معدنچیان آفریقای جنوبی که با شرکت ۳۴۰۰۰۰ معدنچی در ماه اوت سال جاری صورت گرفته و تا اائل ماه سپتامبر ادامه داشت ، برای فعالین نهضت کارگری و کمونیستی ایران در مجموع پدیده‌ای کم شناخته شده باقی مانده است . داشتن اطلاعات روشن و همه جانبه در باره شرایطی که مبارزه معدنچیان در آن صورت گرفت و نیز شرایط عمومی تر مبارزه کارگران آفریقای جنوبی از آن رو برای ما کمونیستهای ایرانی اهمیت دارد که در ریتوان می‌توانیم در رسه‌های مهمی برای مبارزه کارگری و ویژه اشکال سا زماندهی کارگری در شرایط سرکوب شدید و فلاکت اقتصادی خود ههای کارگریا موزیم :

استثمار سرمایه دارانند آفریقای جنوبی در شرایط فعلی بدین اکتاف به تبعیض نژادی و روابط نواستعماری تحمیل شده به همسایگان آفریقای جنوبی و در نتیجه وابستگی اقتصاد آن به مالی آنها به این کشورنا ممکن است . تقسیم سرزمین آفریقای جنوبی به مناطق ظاهر مستقل - باتونستان - و مناطق تحت حاکمیت مستقیم رژیم آپارتاید ، علاوه بر انگیزه‌های نژاد پرستانه ، اساساً ناشی از نیاز سرمایه‌داری در این کشور به توسل به وحشیانه ترین اشکال تحمیل اصرار اقتصاد بی‌توده‌های زحمتکش سیاه پوست می‌باشد . مناطق مستقل فوق به شاه کلنی‌هایی عمل می‌کنند که در آنها توده‌های سیاه پوست تحت شرایط وابستگی کامل اقتصادی به آفریقای جنوبی که خود ناشی از توسعه نیافتگی اقتصاد این مناطق است به سر می‌برند . ارتش ذخیره بیگارانی که گروه‌ها به تحمل مصائب فراوان در جستجوی کار به " داخل " آفریقای جنوبی می‌روند ، و گاه سالها در اطراف مراکز بذرپوش کارگری بی‌توته می‌کنند ، به سرمایه‌داران آفریقای جنوبی این امکان را می‌دهند که از آنها به عنوان منبع ارزانی نیروی کار به دست بردن پذیرش هرگونه تصدیق استفاده کرده و در صورت لزوم گروهی را با گروه دیگر تعویض کنند . این کارگران ، به گفته یکی از فعالین یک گروه خود یاری بنام شورای مسیحی لسوتو م کیلومتر در رکوستانها . . . راه پیمایی کرده و با خود تنها یک پتومی برنند تا به مراکز بذرپوش کارگر

نیروی کار معادن

۶۹۴ هزار کارگر در رگسیا به پوست (۳۵ درصد از کشورهای همسایه در معادن آفریقای جنوبی کار میکنند .



Source: Dept of Home Affairs - South Africa

شرایط فوق الذکر ، همواره اقدام به اعتصاب را به هم می‌دمی و تأیید ساکنان مناطق فوق مشروط کرده و اعتصاب معدنچیان علیرغم فشار رسه‌های اقتصاد بی‌توتوده‌های جیزسیا به پوستان وارد می‌آورد . با تأیید آنها توانست ادامه یابد .
کشورهای همسایه آفریقای جنوبی نیز وضعیت مشابهی دارند . بسیاری از آنها مثلاً موزامبیک وابستگی شدیدی به ارز وارداتی کارگران مهاجر و فصلی دارند و این وابستگی به عنوان اهرم فشار سیاسی همواره مورد استفاده رژیم آپارتاید بوده است . در مجموع بیش از یک سوم معدنچیان آفریقای جنوبی از کشورهای همسایه و یا کلنی‌های داخلی می‌آیند و اگر شرایط اقتصادی وخیم این مناطق ، جنگ داخلی در موزامبیک ، حملات نظامی ارتش نژاد پرست به آنگولا و موزامبیک و خشکسالی مزمن سالهای اخیر در نظر گرفته نشوند ، آنگاه پیچیدگی‌های سیاسی وسا زمانگرانه فعالیت اتحادیه‌ای در آفریقای جنوبی تصویر روشن‌تری می‌یابد . بعلاوه باید به مسئله تعلق کارگران به

امپریالیستهای اروپایی با فروش اسلحه، مهمات و افزار آلات جنگی به جمهوری اسلامی سودهای کلانی به جیب میزنند و متقابلاً به آن باج سیاسی می دهند!

"کمک های غیبی" و بقاء جمهوری اسلامی

د طرف جنگ را بر ملا کرد و نشان داد که امپریالیستهای اروپایی نسبت به سایر امپریالیستها در کمک رسانی به "شورجنگ" متغیر نبوده و متحدانه عمل میکنند. روزنامه لوموند بنحوصرتند و مفصل کشورهای مختلفی را که به ایران "کمک" می رسانند ذکر کرده است. به برخی از این "کمکها" نگاهی بیفکنیم:

فرانسه: علاوه بر شرکت "لوشر" شرکت "پودر و مواد انفجاری" به ایران مهمات جنگی صادر کرده است.

ایتالیا: بوسیله شرکت "وال سلا مکانیکا" و از طریق نیجر به ایران اسلحه و مهمات فروخته و ارسال کرده است، که پنج مورد فروشندگان را تحت تعقیب قانونی قرار داده اند!

هلند: شرکت "می موئی دن شمی پ-ت" مواد انفجاری و مهمات جنگی از طریق یوگسلاوی صادر کرده است.

اسپانیا: از طریق شرکت "بی گاسا مه" با رسلون "با مشارکت" و "وال سلا مکانیکا" ایتالیا اسلحه و مهمات و قطعات جنگی به ایران فروخته است.

سوئیس: آقای "والتر موت" رئیس شرکت "هلپتراد - برن"، که در ماه سپتامبر گذشته دستگیر شده است، بگفته کارشناسان آمریکایی، قطعات یدکی هلیکوپتر به ایران فروخته است.

انگلستان: شرکت "روپال ارد نانس پ. ال. ت" که شعبه های از کمپانی معظم "بریتیش اوراستر" می باشد، مقادیر کلانی مواد اولیه انفجاری و مهمات جنگی را از طریق بلژیک به قصد بندعباس و توسط کشتی دانمارکی به ایران ارسال کرده است.

ماجرای "ایران گیت" و افشا اخبار مربوط به حمل سلاح های آمریکایی از طریق اسرائیل به ایران و ماجرای دستگیری صادق طباطبائی در آلمان و رد کردن ویزاهای سفرا و به اسرائیل، شمه های از "کمک های غیبی" به جمهوری اسلامی و جبهه های جنگ "حق علیه باطل" را در رساله های گذشته نشان داد.

در سال ۸۷ نیز با توجه گیری اختلاف بین جناح های مختلف امپریالیسم فرانسه، بر سر چگونگی تنظیم مناسبات با ایران، سلسله ای دیگر از "کمک های غیبی" به جمهوری اسلامی ایران رو شد! بوسیله چندین روزنامه و مجله معتبر توسط چند بر نامه تلویزیونی فرانسه افشا شد که بطور منظم علاوه بر کشورهای آلمان، اتریش، ایتالیا، سوئد و... توسط کشورهای فرانسه نیز طی سالهای ۸۲ تا ۸۶ (یعنی بهنگام زمانه اداری کابینه سوسیالیستها) به ایران منظم مهمات و افزار آلات جنگی فروخته شده.

تنها ادعای یکی از این منابع، مبنی بر اخذ ۳ تا ۵٪ حق کمیسیون برای فروش تعدادی "قایق" های جنگی سریع، به ایران توسط سوسیالیستها، بوسیله مقامات سوسیالیست تکذیب شد، اما در باره فروش آنها تکذیبی صورت نگرفت و سکوت کردند!

همچنین در ژوئن ۸۷ محمود لاهیجی از افراترالات جنگی فرانسوی که برای ایران با رگیری شده بود، در یکی از ایناد راسپانیائی شناسائی شد و بعد افشا گردید.

"مغایبی در زنجیر" بنحوصرتند شکل گیری کارتل بین المللی فروش اسلحه و مهمات جنگی به

ادامه از صفحه ۱

دهکراتیزاسیون جوهر...

دروزمینه خلق سلاح هسته ای که روزی یک خیال برداری تلقی میشد امروز نتایج خود را آشکار میکنند. در مورد روندبازسازی گفت که بازسازی مبارزه همراه است. این طبیعی است چرا که بازسازی ادماه انقلاب است و اگر ما اکنون انقلاب را به پیش می بریم مبارزه اجتناب ناپذیر است. اما این مبارزه در جامعه شوروی چه بلحاظ شکل و چه نیروهای درگیر، بحالت آنتاگونیست طبقات متفادتیست اگرچه منافع فردی و گروهی در میان است. بازسازی از راست و چپ موردا منتقاد قرار میگیرد. چپ سرعت پیش روی را کافی ندانسته و معتقد به وضع قوانین جدید و تغییر مسئولیت های کارهاست که بیشتر جملد برداری های بی محتوا است. راست اما مدعی است که بازسازی، زیربنای سوسیالیستی را به خطر می اندازد، چه چیز این سنیانها را به خطر می اندازد؟ بحرکت در آمدن مردم و درگیر شدن آنها در امور کنور که خود ما حب آن هستیم؟! از این راه سوسیالیسم ضعیف نمی شود و برعکس از طریق فعالیت سیاسی و اجتماعی مردم، قدرت میگرد و ظرفیت های آن بسیار

سوئد: از طریق کمپانی "کارل اریک اشمیترز بغورز" که شعبه فروش مواد منفجره شرکت مهظم "نوبل" می باشد، مهمات جنگی به ایران فروخته است.

کره شمالی و چین: موشکهای معروف به "کریم ابریشم" و موشکهای خشکی بدریا از نوع "ت.ث.آ.ب.ت. ۸۰۱" به ایران فروخته اند.

یونان: بطریق مختلف به ایران سلاح و مهمات جنگی فروخته است. و بد نیست این راهم اضافه کنیم که صهیونیست های اسرائیل نیز از سال ۱۹۸۱ انواع موشکهای "هاک" تا "نکهای" ام ۴۸ و انواع قطعات توپهای ۱۵۵ میلیمتری به ایران فروخته اند و همچنین انگلستان بوسیله شرکت "پلسی" در سال ۱۹۸۶ - ۱۳ دستگاه رادار عظیم با سیستم ارتباطات راه دور و تجهیزات کامپیوتری به ایران فروخته است که تنها قیمت همین دستگاهها بالغ بر ۲ میلیارد فرانک بوده است!

مجموعه اسناد و اطلاعات منتشره در رسانه های خبری به آشکارترین وجهی نشان میدهد که حفظ توازن قوا در جنگ و ادامه این جنگ (بنا به طولانی ترین جنگ معاصر) ریشه در منافع انحصارات امپریالیستی دارد و راز بقا رژیم مرتجع و منحطی همچون جمهوری اسلامی که خود راد رهالسه ای از الهیات و غیبیات پوشانده است در مناسبات اقتصادی و باجهای سیاسی معینی است که دول امپریالیستی در قبال منافع هنگفت اقتصادی، بدان می بردازند.

اینکه "دولت شیراک - پاسکوا" تروریست سرشناسی همچون وحید گرجی را با آنهمه مدارک جرم مسجل در روز روشن به کانون تروریستی خود، یعنی جمهوری اسلامی تحویل میدهد، تصادفی یا از روی ترس نیست، منافع اقتصادی سرشار "کشور بزرگ" ایران است که این چنین موازین و افکار و اخلاق عمومی را به ریشخند می گیرد و بی هیچ واژه ای "تعهدات" حقوقی و قانونی خود را نیز نقص می کند!

بیشتر ما دیت می یابند. این ضربهای به روشهای "اداری و دستوری" و منافع کسانی است که پیرو آن روشها هستند. آنها در نمی یابند که ما جز از طریق دمکراتیزاسیون زندگی نمی توانیم حرکت بیشتر داشته باشیم. سال ۸۷ مکتب بزرگ دمکراسی سوسیالیستی بود. در این سال بررسی و تحلیل ما از گذشته تدقیق شد که دستما به حرکت آینه شده خواهد بود. درس دیگری بازسازی آگاهی ما زیدیده های منفی بود. ما وسعت و میزان وسیع آنها را تشخیص ندادیم. روحیه انگلی همسانی برداختها گزارشات توخالی، محلی گرائی، قسمت گرائی، کارهای غیرقانونی که در سالهای "رکود" دانگسیر کشور شده بود. ما بهای مبارزه برای جلوگیری از فعالیت های جنایتکارانه و برای نجات جامعه از انحطاط اخلاقی را می بردیم و بصورتی پیگیری خواهم برداخت. دمکراسی سوسیالیستی، علمیت و انتقاد و انتقاد از خود جزو جوهر سوسیالیسم است. اگر دمکراسی و علمیت برای منافع سوسیالیسم مردم با شده هیچ محدودیت و مرزی ندارند. این تنها معیار راست است. در این مسیر ما به معیارهای هیچ کسی چه در سیاست چه در معنویات و چه در اقتصاد احتیاج

نداریم. هیچ کس در زمینه دمکراسی با اندازه ما پیش نخواهد رفت چون این جزو ماهیت سیستم ما است. ما دمکراسی را در همه زمینه ها به پیش می بریم از جمله در حوزه اقتصاد. در هیچ کجا در غرب مدیران و سیرستان و احدها را انتخاب نمی کنند. هیچ کجا در غرب کلکتیوهای کاربرنا مه را تعیین نمی کنند. این چیزی است که دمکراسی سوسیالیستی ما را میسازد. دمکراتیزاسیون و "علمیت" تنها بعنوان ابزارهای مبارزه با زسازی و با یک جنبش کوتاه مدت نیستند بلکه جزو ماهیت سیستم ما است و همین وجه تمایز با دمکراسی بورژوازی است که تنها صورت ظاهری "علمیت" و آزادی را با راههای ظریف ارائه می کنند تا مردم را از قدرت واقعی سیاسی دور نگهدارد که بقول لنین این حق را میدهد که یکبار رای بدهند و تا دور دیگر انتخابت چه کسی آنها را تجویق کند. ما میخواهیم از طریق دمکراسی سوسیالیستی مردم را در شما مپروسه مدیونیت دخیل نمائیم. اگر بسوی لیبرالیسم بورژوازی کشیده شویم این یک عقب گرد خواهد بود.

گورباچف در مورد درس دیگر سال ۸۷، به دریافت آموزش لنین در مورد حزب برداخت، او گفت که تاریخ ما این آموزش لنین را که حزب از نسوع بقیه در صفحه ۹

کراچی

کراچی!

من از جنوب ایرانم
با کاکلی سوخته از نیزه زار خورشید

درخیا با نهای شلوغ کراچی
ومخل سادهای از خون که رگها یم را میپوشاند
- اندوه نگا هم -

ترانه غربت را

کراچی،
پژواکی است بر شیشه های پنجره!

شهرکالاهای قاچاق و دلالتهای هروئین،

کراچی،
کران جانی از زخمهای قبیله ای!

شهری که هر شب ماه،

و در آبهای طلائی اقیانوس
از آبارتما نهایی غول آسایش به قعر جابهایی کویری سقوط می کند!

رویای کودکان ما هیگیروکا بوس شبانه ما هیان خرد

ساحل را سرشار می سازد.

کراچی!

شهری که مگس ها و حکومت نظامی

خون فقیران را می کند!

کراچی،

شهری که هنوز جای پای بریتانیا ی کیبیر

در کوجه های گل آلودش پیدا است

و فاحشه خانه ها و دولتش،

در اچاره سربازان آمریکا می است.

شبها از سنگفرشهای "مَدَر" (۱)

بوی فقروبا روت می آید

وبوی میوه های گندیده ی بساط دوره گردان!

کراچی!

در شرحی های سوزانت

من هُرم مذا ب عا طفه ام.

به هنگامی که مردانت را

به قربا نگاه شقاوت مها راجه ها می برند!

کراچی!

بندرگاه بی فانوس جهان!

با روی بی برج و کبوتر!

دختر تکیده بر بالش آبهای اقیانوس!

کراچی!

کاشی که به روزگاری از فرا زالبرز

می دیدمت نشسته به خوشبختی

و در تپه های سبزا سلام آباد

- به جشن آتش بازی چشمان سیاه عروس ساری پوش تومی آمدم.

کراچی!

بگذا رمنهم بگویم از میهنم

این زخم گشاده ای که قلب کوچکم را

به آزمونی تلخ می طلبد.

هیچ جلودا رتوده ها نیست، کشتار

گلوله ها

زوزه کشان یورش آوردند میان ما

چونان گفتارانی گرسنه

هریک شتا بناک به نیش کشیدند

گوشه ای از قلب و

پاره ای از سینه مان را.

با دندان ها ئی درنده جویدند، جویدند

گوشت تن کودکان

زنان

ورقیقان خلق را.

اجساد کشتگان

بردست های زندگان

پرچمی سرخ گشت و

دربادهای انقلاب

به اهتزاز در آمد،

خون با صدا در آ میخت

و چا درد و دویا روت را شکافت و

پر کشید ترا نه آزادی

بر فرا ز سرزمین زندانی،

در پشت پنجره ها

چشمهای منتظر گریستند، گریستند

و در میدان.

دهان های خونین.

نعره برآوردند، نعره برآوردند، نعره برآوردند

آه چه بسا رگلوله ها

سینه ها را بر کشید

چه بسا ربر مردمک چشمها دندان کشید

چه بسا رمغزها را متلاشی کرد گلوله ها،

در حرکتی ابدی به سوی آزادی، اما

خواندند خلق ها:

"جز مرگ آری

هیچ جلودا رتوده ها نیست

مرگی که بزا ید هزار زندگی

پیدا است

بیهوده نیست."

آری خواندند خلق ها و با موج، موج خونشان

را ندند بسوی آزادی،

وقتی گلوله ها

زوزه کشان یورش آوردند میان ما.

از: "در راستای انقلاب سروده سرتوک -

نشر سرخ

یک، دو، سه، فلسطین آزادخواهد شد

وین - اطریش :

"کمیته همبستگی با فلسطین" دروین، روزجمعه بیست و دوم ژانویه یک را هیماشی درحما بیست از قیام آزادخواهان، مردم فلسطین ترتیب داد. در این راه هیماشی که از جلودان نشکا ه وین آغاز شده و در میدان ابراهامه یافت، دانشجویان فلسطینی مقیم وین، نیروها و افراد طرفدار آنها، فدراسیون کارگران ترک مقیم اطریش و شورای دفاع از مبارزات خلقهای ایران دروین شرکت داشتند. جمعیت شرکت کننده شعارهای زیر را تکرار میکردند.

- ۱- ما آزادی می خواهیم ما نه ازبگین.
- ۲- صهیونسم عین را سیم (نژادپرستی) است.
- ۳- یک، دو، سه، فلسطین آزادخواهد شد.
- ۴- زنده باد همبستگی بین المللی.

گوتنبرگ - سوئد :

در روز شنبه شانزدهم ژانویه تظاهراتی از طرف حزب (KPLM) با شرکت (۵۷۰) نفر برعلیه تروریسم دولت صهیونیستی اسرائیل و در دفاع از انقلاب فلسطین در شهر گوتنبرگ برگزار گردید.

هواداران سازمان ما در گوتنبرگ نیز کعبه دعوت این حزب در این تظاهرات شرکت داشتند. اقدام به توزیع تعداد کثیری از ترجمه کامل مقاله "انقلاب فلسطین مسئله ملح" (مندرچ در راه کارگر ۳۹) نمودند که با استقبال شرکت کنندگان در تظاهرات روبه رو گردید.

این تظاهرات پس از تصویب قطعنامه ای خطاب به دولت سوئد مبنی بر قطع روابط بین دو دولت سوئد و اسرائیل، با سرودن ترنای سیونال خاتمه یافت.

فرانکفورت - آلمان فدرال :

در تاریخ ۲۲ ژانویه سال جاری در اعتراض به سیاست سرکوبگرانه رژیم صهیونیستی در سرزمینهای اشغالی نوا رنزه و کناره با ختری رود اردن و بیستیمانی از مبارزان حق طلبانه مردم فلسطین که در راه آزادی سرزمین خویش مبارزه می کنند، از طرف نیروهای مترقی شهر فرانکفورت آلمان غربی سازمان آزادیبخش فلسطین و بخشی از سازمانهای انقلابی ایرانی تظاهراتی برگزار گردید.

حدود ۲۰۰ نفر در این تظاهرات شرکت داشتند و در میان راه هیماشی سخنگوی سازمان آزادیبخش، نماینده ای از حزب سبزها، نماینده ای از یهودیان شهر فرانکفورت و الکساندر شوبسرت شخصیت معروف سیاسی آلمان فدرال سخنرانی کردند و به تشریح مبارزات خلق فلسطین و سیاست های فدا نسانی و سرکوبگرانه صهیونیست پرداختند.

پیش از ختم مراسم از جانب گردانندگان برنامه پیام همبستگی رفقای هوادار سازمان ما که در این برنامه فعالانه شرکت کرده بودند اعلام شد.



کراچی

از هویره،

خرمشهر غرق گشته در آبهای خونین خلیج

از شهر کوچک،

شوش

شهر شیرباران نامدار مردم گمنام

وا ز کوچکترین خواهرم

که بر اسفالت های داغ آبادان بریزد.

با مدادان

کسی که وعده ی خورشید را می داد،

ستارگان را کشت!

کسی که از پشت گلهای سرخ می گذشت،

رشته های قلبم را با خنجر دید!

من،

با گلوی گلگون دشت می خوانم

ترانه های پمخته های خونینست جاری

از صعب پاره ی صدام

ایکاش،

یکبار،

تنها یک بار

می بینم راه دوباره می دیدم بی شیکلاه درد!

ایکاش

روزی

تنها یک روز

در میدان آزادی

در صفوف بیشمار مردم

بنام همه ی شهرهای جهان

می جنگیدم

و در تلالوی واپسین گلوله ی خورشید

بر شقیقه هایم

به عشق بزرگ خویش می اندیشیدم

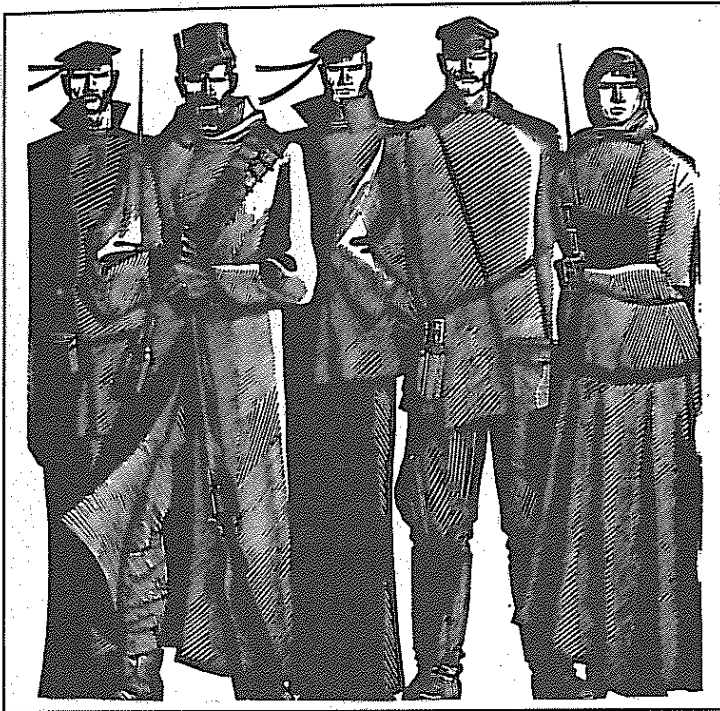
و چشمان مرموز و سیاه کراچی را

بیاد می آوردم!

خوزستانی

(۱) صدز محله است بس فقیرنشین که بمب گذاری های اخیر در آنجا صورت

گرفت و مدها تفرکشته شدند.



معرفی کتاب

از: علی

شوراها و انقلاب در روسیه

نویسنده: ر. فراها نی

شورا های شهرهای بزرگ روسیه "در طول اعتصاب عمومی اکتبر - دسامبر ۱۹۰۵ به نام سراسر روسیه سخن گفت. "شورا با برعهده داشتن نمایندگی سیاسی عموم کارگران اعتصابی برخواستهای عمومی" مجلس موسسان" و "جمهوری دمکراتیک" پای میفشرد. وضعیت انقلابی و فعالیت بیسابقه توده های پرولتاریا در حیطه سیاست زمینه انتشار ایده شوراها و تشکیل آن در سراسر روسیه بود. بطوریکه در پایان دسامبر ۰۴ تا ۰۵ شورای نمایندگان کارگران سراسر روسیه تشکیل شده که محصول فعالیت جنبش اعتصابی چهار میلیون کارگر روسیه (۳ میلیون کارگر صنعتی) بودند. این شکل نوین سازمانیابی توده های پرولتاریای روسیه در اعتصاب عمومی اکتبر - دسامبر ۱۹۰۵ بود. اعتصابی که کابل کارگران روسیه در آن شرکت کردند، با تشکیل شورا های مشترک دهقانی و سربازی و "کارگری - دهقانی" و "کارگری - سربازی" شوراها به شکل عمده اتحادیه رزاتی بین طبقات انقلابی جامعه تبدیل گردیدند. در ادامه، "شورا" این شکل نوینی که پرولتاریا برای سازمانیابی خود برگزیده بود کامیاب تاریخی بلندی بجلو برداشت:

درک لزوم تبدیل اعتصاب سیاسی عمومی به قیام مسلحانه، قهرمانان جنگیدن سنگربه سنگر برای کسب قدرت و سرنگونی تزاریم. با شکست قیام، روند انقلاب بتدریج، قوس نزولی طی می کند و سرانجام در پایان ۱۹۰۷ با پیروزی کامل فدا انقلاب اثری از جنبش شورائی بجای نمی ماند. در طی این مسیر روسیه و جهان شاهد همکاری میان طبقات انقلابی در برابر فساد انقلاب، عمل مشترک آنها بعنوان نمودی از ائتلاف دوطبقه (کارگران و دهقانان) بود.

در تمام این دوره و بویژه پس از آن، جریان مارکسیستی سوسیال دمکراتیک (بلشویسم برهبری لنین) روسیه در طی مبارزه ایدئولوژیکی بیکبر محورهای اساسی منتج از نهضت شورائی همچون: رابطه نهضت شورائی و مراحل افست و خیزان انقلاب، فرا روشی شورا به دولت موقت انقلابی، رابطه نقش پرولتاریا در هدایت نهضت شورائی و مرحله انقلاب روسیه و اجتناب نا پذیر رهبری پرولتاریا در انقلاب بورژوا - دموکراتیک آن، همکاری انقلابی طبقات تحت ستم، تاکید بر نقش پیشرو و هدایتگر طبقه کارگر و رابطه آن با تلهای لنین و بلشویکیها در خصوص "دیکتاتوری انقلابی کارگران و دهقانان" شکل و مضمون، طبقه ای قدرت نوین انقلابی (دولت شوع کمون)، درک شورا بعنوان "ارگان نبرد" و "ارگان قیام"، ... و طرح نمود و به تعمیق آن در تئوری و عمل می پردازد.

دراوا! مثل نوا میر - حدود دو هفته پس از تشکیل شورای سنت پترزبورگ - لنین برای نخستین بار به شورا بمنظور دولت برخورد می کند و شوراها

اثر مذکور در سه بخش، بخش اول: انقلاب ۱۹۰۵ روسیه - تولد شوراهاسا. بخش دوم: انقلاب فوریه ۱۹۱۷ - تجدید حیات شوراها، بخش سوم: اکتبر ۱۹۱۷ - همه قدرت بدست شوراها، بالغ بر ۱۲۲ صفحه توضیح چگونگی پیدایش جنبش شورائی، تکامل آن و شکلگیری اولیه نظریه دولت شورائی در جنبش جهانی کارگری و کمونیستی برداشته است. نویسنده بدستی معتقد است: از آنجا که "انقلاب بهمن با خود شکل نوینی از سازمانیابی کارگران و زحمتکشان ایرانی را به همراه داشت، برای اولین بار "شورا" و جنبش شورائی" در مرکز توجه جنبش کارگری و کمونیستی ایران قرار گرفت، می بایست این نهاد توده ای مورد بررسی همه جانبه کمونیست ها قرار بگیرد.

در بخش اول برخاستن ایده شوراها، مانند هر ایده بزرگ دیگری از میان توده ها و تکامل و تعمیق آن بررسی می گردد. چگونه با اعتصابات عظیم و پیروزی شدن طبقه کارگر - بویژه در مراکز جمعیت صنعتی - اشکال خاصی از سازمانیابی را به منظور بیان خواسته ها و هدایت عملی خویش می طلبید و بر چنین زمینه ای کمیته های اعتصاب بمنظور هماهنگی و هدایت مبارزات توسط خود کارگران بوجود می آید و در تعمیق و گسترش اعتصابات لزوم تشکلهای فراگیرتر شکل جدیدی از همکاری میان کمیته های اعتصابی متفرقه را ایجاد می کند و بدین ترتیب شکل جدیدی از سازماندهی توده کارگران متولد می شود که کارگران خود نام آن را شورا (سویت) می گذارند. اولین شورا در ماه مه ۱۹۰۵ در مرکز صنایع نساجی مسکو بعنوان نماینده تمامی کارخانه های شهری به منظور مذاکره با سرمایه داران و نمایندگان دولت بسا عضویت ۱۱۰ نماینده از کارخانه های مختلف با بعرضه وجود می گذارد: چهار هدف اصلی این شورا چنین بودند: ۱) هدایت اعتصابات کارخانه های شهر ۲) مقابله با حرکات یا مذاکرات جداگانه در صفوف اعتصابیون ۳) حفظ انضباط و نظم کارگران ۴) صلاحیت تشخیص زمان پایان دادن به اعتصاب. این شورا بنا به نحوه فعالیت خود، قدرت سیاسی دولت در شهر خود را مورد تهدید مستقیم قرار نمی داد از این رو بیش از آنکه یک شورا، بمفهومیه که بعدا شناخته شده با شد در حد یک کمیته هماهنگی اعتصاب کارگران باقی ماند، در بلوغ اجتناب نا پذیر این حرکت سرانجام در ۱۴ اکتبر ۱۹۰۵ کارگران سنت پترزبورگ بر بستری یک اعتصاب عمومی سیاسی و در مقابله آشکارا رژیم تزاری اولین نمونه آن نهادی را که تاریخ جنبش شورائی با تولد آن آغاز گردید، بنیان نهادند. "بسی از کمون پارسی و در اسفندی گسترده تر، جهان با ردیگر جوش قدرت سازمان یافته کارگران را مشاهده می کند. کارگران روسیه نهادی را بنیان می گذارند که - اشرافش بر مراتب فرا ترا محدودده، زمانی و مکانی روسیه سال ۱۹۰۵ می رود. " این شورا با ارگانی بنام "بیزوستیا" (هفتگی) با گسترش خود و ارتباط بسا

شوراها و انقلاب در روسیه

نوبتیا در اجوتیان ارگان یک دولت موقت انقلابی میبندد. این نکته اساسی در متدولوژی لنین در برخورد به شوراها سنگ بنای تزه‌های بعدی و راجع به شوراها "در سال ۱۹۱۷ بود." "علیرغم آن لنین در این زمان و در برخوردش با اولین تجربه شوراها، هنوز به نظر م‌شوراها بماند به یک ساختار دولتی تمام عیار بی تجربه بود. انقلاب ۱۹۰۵ تنها بذرا ولیه دکتربین بلشویکی نظام شوراها را پاشید."

در بخش دوم نشان داده میشود که چگونه با پیدایش شرایط نوین انقلابی و بیداری غول تاریخ، مجددا شوراها با بعرضه میگردند. در هفدهم فوریه ۱۹۱۷ "کمیتة اجرائی موقت هیئت‌های نمایندگی کارگری" تشکیل میشود. فراخوان به سرپازان و کارگران پایتخت برای تعیین هیئت‌های نمایندگیشان در شورای پترزبورگ مهندنهفت شورا می‌باشد و میراث‌دار غنی ترین تجربه طبقاتی پرولتاریای روسیه اکنون نیز با تکیه بر تجربیاتی و آگاهی که در آلمان و بلووب توده‌های تحت ستم بیوزیه کارگران گوفی انتظار میکشید، با بعرضه گذاشت. با تکوین سریع وضعیت انقلابی در ۲۸ فوریه کارگران و سرپازان در یک عمل عمدتاً خودانگیخته با حمله به کاخ زمستانی، تزارسم را به زباله‌دان تاریخ افکندند: شورای پترزبورگ سخنگوی این انقلاب بود. رهبری خرده بورژوازی شورا، با استفاده از مستی ناشی از بیروزی پرتزارسم و سرخوشی از انقلاب همگانی فوریه که بر توده‌های کارگران و بیوزیه سرپازان مسلط بود، و در زمانی که بلشویکها در این شورا در اقلیت کامل بودند، قدرت را به دولست بورژوازی تفویض نمود. تحلیل رهبری حزب بلشویک (داخلی) عمدتاً بر اساس تزه‌های تاکنونی آنها قرار داشت و تحلیل نوینی از صف‌آرایی جدید بدست نمی‌داد. بیروزی انقلاب فوریه، انفجار نهفت شورا می‌باشد. با داشت امسایقی نقش آن برای پیشروی بسوی انقلاب سوسیالیستی بدون دگرگونی عظیم صفوف آن و بدنبال آن کسب اکثریت در رهبری آن مقدور نبود. لنین با اراکه تحلیل‌های جدیدی که مجموعاً به "تزه‌های آوریل" معروفند چنین پیشروی را امکان پذیر ساخت. او پیدایش قدرت دیکتاتور دموکراتیک کارگران و دهقانان در قالب شوراها و نوع جدید دولت را اعلام داشت. نحوه برخورد به شوراها و کمک به تکامل آنها به حکومت نوین و بعنوان "لیگانه شکل ممکنه حکومت انقلابی" را تشریح نمود. "قدرت دوگانه" و مفهوم طبقاتی آن و رابطه آن را با مرحله انقلاب توضیح داده و جایگاه آن را بعنوان نموداری از یک لحظه انتقالی در جریان تکامل انقلاب به مرحله‌ای که اگرچه محدود و یک انقلاب مادی بورژوازی - دموکراتیک فرا تر رفته ولی هنوز به دیکتاتور "خالص" پرولتاریا و دهقانان نرسیده است، معین نمود.

زمانی که مستی "توده‌ای" تمام روسیه را به دیوانگی دفاع گراشسی "انقلابی" کشانده بود و خطر آن وجود داشت که از ترس "جدا شدن از توده‌ها" بلشویکها هم‌باین بیماری همه گیر عمومی تسلیم شوند، لنین نه تنها آنرا بنقد کشید بلکه "شوراها" را "جائیکه میبایست نبرد صورت گیرد و انقلاب از مرحله‌ای که در آن درجای زنده مرحله نوین ارتقاء دهد، نشان داد. میبایست زده ایدئولوژیکی که سرانجام با تصویب شعار "همه قدرت به شوراها!" در کنفرانس آوریل به پیروزی قطعی رسید، و روشن ساخت که پرولتاریای شهری باید پرولتاریای روستا را بدنبال خود کشد و توده نیمه پرولتاریای ده را به آن

ملحق سازد و مانع آن شود که این توده بدنبال بورژوازی دهقانی که تمام پلش اتحادیه‌ها را انقلاب است، روان گرداند. با روی کار آمدن کرنسکی و تهاجهم قهرآمیز به جنبش توده‌ها و حمایت مشتاقانه منشویکها و سایر ارا از دولست بورژوازی و جدا شدن آن از جنبش مستقل توده‌ای و تحت تعقیب قرار گرفتن بلشویکها و خلاصه در شرایطی که دیگر بسط مسالمت آمیز انقلاب مقدور نبود، لنین این تغییر عمیق وضعیت را سرعت درک نموده و پیشنها دیس گرفتن شعار "همه قدرت بدست شوراها!" را داد. او با اعلان اینکه دوران "قدرت دوگانه" خاتمه یافته است و "شوراها" بدلیل چرخش احزاب حاکم بر آنها دیگر نمیتوانند در تکامل دامنه انقلاب و انتقال به مرحله نوین آن نقش بازی نمایند، اشیات نمود که تنها و تنها توده‌های انقلابی میتوانند ما حبان جدید قدرت دولتی را در هم بگویند و آنها تنها و تنها بشرطی که از ظرف پرولتاریا رهبری شوند.

در بخش سوم نویسنده نشان میدهد که چگونه شوراها با تقبل اجرای کنترول کارگری در سازماندهی تولید مدام خله کرده و ارا ده پرولتاریا را جاری میساختند و تنها ده‌های جنبش شورا می با استقرار دولت شوراها یک گام به پیش رفته و از ارگان‌های نبرد طبقاتی در جهت درهم کوبیدن نظم بورژوازی به مقام استخوان بنسند قدرت دولتی و سازماندهی نظم نوین سوسیالیستی ارتقاء یافتند. امری که بدون تغییر ترکیب طبقاتی آنها طبق نظر لنین و جدا گشتن از سیاست و عمل خرده بورژوازی از یک طرف و قیام مسلحانه اکثر از طرف دیگر بعنوان دو پیش شرط ضروری غیر ممکن بود.

با تبدیل شورا از ارگان نبردیک طبقه به دولت پیکارجوی یک طبقه و تولد "جمهوری شوروی سوسیالیستی روسیه برپا" اتحاد داده و طلبانه خلقهای روسیه و بشکل فدراسیون جمهوری‌های شوروی "وساثل و ظرفی که بورژوازی برای حفظ سلطه خود بنا بودی انقلاب پرولتاریا می کبیرا کشتیریکار گرفت نشان داد که نظریاتی از نوع کاشوتکسیسم مدعی بودند این تکامل نقش "دمکراسی" است به کما طبقه تعلق دارد و انواع این نظریات (اوسوا وثر، ماکس آدلر، پاتکوک "کمونیستهای شورایی"...) علیرغم اختلافات ظاهریشان چگونه سلطه بادی بورژوازی را تشریح می نمایند.

نویسنده در آخربه مقایسه نظام پارلمانی بورژوازی و نظام شورا شسی می‌پردازد: مکانیسم این دو نظام را توضیح میدهد به تفصیل و جوه بنیادی تئوریک و عملی این دو شیوه را تشریح مینماید. مسائلمشکلاتی که در شرایط غیرقابل تصور جنگ داخلی و تهاجم دول امپریالیستی بر سر راه تکامل و اجرای دموکراسی شورایی بوجود آمدند و گراشسیهای انحرافی در رهبری حزب مبنی بر حذف یا دورزدن ویاسخنها ده‌های دموکراتیک از جمله: اتحادیه‌ها، تشاوتی‌ها و سایر تشکلهای توده‌ای بیوزیه شوراها را باعث میگردد بدین تقویت مینماید، گراشسی که لنین در برابر آنها موضع داشت و علیه‌شان مبارزه نمود:

در شرایط حاضر که در جنبش کمونیستی ایران، نحوه کسب قدرت بوسیله شوراها و بیوزیه مفهوم دمکراسی در نظام شورا می‌مورد سوال واقع شده و جریاناتی از موضع سوسیال دمکراسی و منظور نفی تزه‌های اساسی ما رکیسم لنینیسم و تجربیات انقلاب کبیرا کتیر به تقلامشغولند و جریانی از موضع سوسیالیسم رفرمیسوا بشله‌ها پورتونیسملعلاج، در بهترین حالت آگاریکاتوری از نظام شورایی را تبلیغ می نمایند، این اشروادامه چنین تلاشهایی بیشک در دفاع از ما رکیسم لنینیسم و برابر فرشته ترنگا هداشتن پرچم آن بیوزیه در جنبش کمونیستی ایران، نقش مثبت و ارزنده‌ای بازی خواهد نمود.

دمکراتیزاسیون ... ادا ماه ز صفحه ۹

جدیدی است که پیشتازی سیاسی جامعه را، با همه کمبودهایش، انجام میدهد ارا نشان داده است. ما با وضوح بیشتر دریا فیتیم بدون حزب کمونیستی کسه برترین نیروهای جامعه را بلحاظ ایدئولوژیسیک و تشکلاتی هدایت کنند و درک درست از فعل و انفعالاتی که در حین انجام میندداشته باشد، هیچ تغییری امکان پذیر نیست. اما حزب نباید از روند خود عقب بماند. هر کجا چنین بود، تا شیرات مهمی در جامعه داشت، نه فقط در رهبری سیاسی و دولست

بلکه در جمهوریها و مناطق نیز، این بسیار مهم است اگرچه نمی توان گفت که همه سازمان‌های حزبی این چنین عمل کردند.

او در مورد مطبوعات گفت بدون آنکه بخوا هم از کسی نام ببرم با بدبگویم که مطبوعات ملسکی شخصی کسی نیست بلکه تعلق به همه حزب و همه مردم دارد و نباید از آن بعنوان تریبون شخصی استفاده کرد. ما به دوره حکومت "روابط" پایان داده ایم، دوره‌ای که بعضی از اشخاص در حزب ما و پاره‌های نواحی برای سالها خارج از کنترول و دور از دسترس انتقاد

بودند. با پیدایرغ از منافع شخصی بدنبال منافع عمومی با زسای بود. در بکار بردن ارا هه بسیاری مخالفین هشیارباشیم، کلمات ناباید به ضرر اصلیت بکار روند. آنها می که میخواهند ما را بنسبند، ده دیگری برانند، "سوخند دیگری" به آتش با زسای برسانند، باید بدیدانند که چنین چیزسی عملی نیست. کمیتة مرکزی با قاطعیت به مواضع لنینیستی خوا هدرچسبید، هر گاری خوا هدرکدکسه پتانسیل دمکراسی سوسیالیستی را وسعت بخشید و بقیه در صفحه ۱۱

۱۳ ماه از صفحه

۱۳ ماه از صفحه

رونق بازار مرگ در ایران

برد هاست . تود ها چنان در زندگی روزمره خود با مشکلات درگیر می باشند که به ندرت نیروی برای مقابله و مقاومت بر علیه جنگ و سرکوب در خود می یابند . بیگاری در جنوب تهران به مرز ۶۰ درصد رسیده اما آمار بیگاران بطور رسمی در هیچ یک از اسناد کشوری ثبت نگردیده است . کمک به بیگاران ویا کمک اجتماعی وجود ندارد . صف های طولانی در برابر مغازه های مواد غذایی بی انگارین واقعیت هستند که ضروریات اولیه زندگی در ایران به آسانی بدست نمی آیند . توزیع مواد غذایی به وسیله مسجد ها تلاشی است برای جلوگیری از قحطی ، غارت و احتکار . .

دیوارهای تهران بخصوص در مناطق فقیرنشین جنوب از بالا به پایین لیریز از شعارهای فراوان

فراخوان به مرگ است . مرگ بر آمریکا فیاها ، مرگ بر اسرائیلی ها ، مرگ بر روسها ، مرگ بر خائنین ، مرگ بر جاسوسان ، مرگ بر معتادین ، مرگ بر فواحش ، مرگ بر صدام شیطان ، مرگ بر . . . مرگ بر . . . ! هرکس که از خیابانهای جنوب تهران بگذرد ، با چشمان خویش شمره جنگ را برای ققرا می بیند . در مقابل هر سه یا چهار ، پنج خانه ای یک حجله برافراشته شده است . اینها تنها آذین این کوچه های تنگ و خاکی هستند . از تصاویر شهیدانی که بر این حجله ها آویخته شده اند میتوان دریافت که این قهرمانان شهید کودکانی بیش نبودند . اغلب آنان فقط خطی سبز برچهره داشته اند که اونیفورم رابرتشان پوشانده و سلاح در کفشان نهاده اند . سلاحهایی که بر روی آنها مارک ۳ - ۳ ، ساخت آلمان ، نقش بسته است ، بریشانی آنها رویانی قرمز با شعار شهید گره خورده است . برای مردم فقیر شاید شهادت تنها منبع مالی باشد . اعلام گردیده که خانواده شهید اد را زای قربانی شدن هر پسر ۵۰۰ (پانصد هزار) ریال بدست می آورند و ارجحیتهایی در رابطه با کسب کوبین ، مسوا د غذایی ، خانه ، وسائل ساختمانی ، کار و امکان تحصیل برای شان قائل می گردند . ماد رانی که سه فرزند شان در جنگ کشته شده است با اجازه شخص خمینی مجاناراهی مکه میشوند و به این ترتیب رفتن آزادانه به جبهه ها که در اختیار فرزند فرزند می خورد ، پاسخ ساده خود را دریافت می کنند .

بمباران سخت ماههای فوری و مارس سال گذشته در تهران بر طبق اطلاعات موثقی که من بدست آوردم ، آنچنان ترس و وحشتی را بوجود نیآورد . مردم به بیچاران گاه به گاه عادت کرده اند و هر زمان که رادیو ایران خبر بمباران موفقیت آمیز مراکز عتی را می دهد ، مردم خود را برای حمله متقابل عسرا ق آماده می سازند . گورستانها معمولا وحشی در شهرهای بزرگ محلی آرام و جزیره آرامش و مناجات اند ، ولی نهد ر تهران . قبرستان مرکزی تهران (بهشت زهرا) در زاین زمان ، همانند یک بازار پر ازدحام است . مردم در اتمام رفت و آمدند . مردگان با یکدیگر رود اع می کنند ، بلند گوها می فرزند . بازار مرگ رونق دارد . باد سته گلی از لاله ، که سمبل شهیدان جنگ خلیج است ، جمعیت در آغاز ماه رمضان به مزارستان نشان که قربانی جنگند ، می شتابند . بزرگترین قسمت قبرستان تهران به قربانیان جنگ اختصاص داده شده است . هیچکس نمی توانست ونمی خواست به من آمار دقیقی از تعداد کسانیکه بر اثر جنگ در این گورستان به خاک سپرده شده اند ارائه دهد . مسلماتعد اد آنها بیشتر از صد هزار نفر می باشد . بسیاری معتقدند که ۱۳۰ هزار نفر تعد ادی دیگر حتی ۱۵۰ هزار نفر ، ولی هیچکس آمار دقیق قربانیانی را که در اینجا به زیر خاک رفته اند نمی داند . این جزوا سرارد ولتی است . یک بوی سنگین و شیرین به شام می رسد ، گویی بوی کوره آجرپزی با عطر گل سرخ در آمیخته است . یک دستمال جلویی ام می گیرم و بعد از مدتی که درون جنگل مرگ حرکت میکنم ناگهان به جلوی فواره خون بنای نمایشی یاد بود قربانیان این جنگ کثیف می رسم . از درون چاهی ، یک ماده قرمز کثیف خون انسان است فوران می کند ، چاه آب که معمولا سنبلی از زندگی است ، در این جابطور سبلیک مرگ دسته جمعی را نشان میدهد . خون بطور دائم جاری است ولی نه بصورت یکنواخت ، گاهی به صورت موج جاری میشود ، لحظه ای آرام ود یاره شدت می گیرد .

باعجله دسته گل لاله ای را که در دست دارم بر روی یک مزار که در آن نزدیکی هاست میگذارم و تمام تلاشم اینست که هر چه زودترین محل را ترک کنم .

" ترجمه قباد "

از کتاب پتروشوت بنام " وقتی که آن درورها ، آنسوی ترکیه ، خلقها د برابر هم قرار میگیرند " . ص ۲۰۹

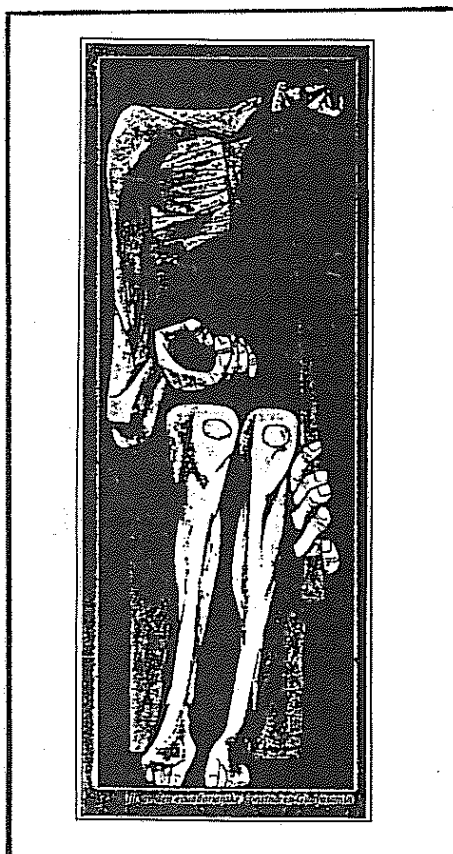
Wenn fernhinter der Türkei die Völker aufeinander schlagen - Pahl - Rugenstein Verlag, Köln, 1987 (14,80 D M)

کشتار پناهندگان ایرانی

اسفند یار . ک یکی از پناهندگان ایرانی در " وان " میگوید که مدتی پیش با برادرش از کوه آمدند و توسط مقامات امنیتی دستگیر شدند ، برادرش تحویل مقامات ایرانی داد شد که در روز توسط پاسداران اعدام گردید . و حالا او در " وان " در ویلا تکلیفی بسر می برد .
(ن . بابک ، ژانویه ۸۷)

گزارش مجله " تکته " که یکی از محتاط ترین و شاید بشود گفت محافظه کارترین مجلات وابسته به محافل لیبرال ترکیه است ، و در طی حکومت نظامی ، تنها مجله غیر دولتی بود که اجازه انتشار داشت ، نشان از ابعداد فاجعه بار جنایتی دارد که تنها گوشه بسیار کوچکی از آن در اینجا امکان انعکاس پیدا کرده است .

به روایات گوناگون حد و د ۵۰۰ تا ۷۰۰ هزار ایرانی در شهرهای مختلف ترکیه آواره هستند . این در شرایطی است که کشورهای امپریالیستی مثل فرانسه ، به معاملات ننگینی با رژیم جنایتکار فقها بزرگ پناهندگان دست می زنند ، در رکشور فقیر و بحران زده ای مثل ترکیه بدون تردید ایما د د هشتتاک پیدا می کند . دولت ارتجاعی و سرمایه داران حریص ترکیه در مقابل هر پیشنهاد نان و آبد ار رژیم فقها مثل موم آب شده و د ر خدمت امیال ضد بشری رژیم خمینی قرار میگیرند . حوادث ماههای گذشته در ترکیه ، پاکستان و کشورهای اروپایی هشداری است جدی که محافل و کانونها ، گروهها و سازمانهای دموکرات و مبارز ایرانی ، برای دفاع از پناهندگان و آوارگان ایرانی در ترکیه و پاکستان بکشند !



آلمان فدرال و متقاضیان پناهندگی در سال ۸۷

بنا بر اظهارات وزیر کشور آلمان غربی در سال گذشته جمعا ۷۰ هزار و سیصد و هفتاد و نه نفر در آلمان غربی تقاضای پناهندگی سیاسی کردند که این تعداد حد و د ۴۰۰۰ نفر کمتر از سال ۸۶ است . وی علت کاهش تعداد متقاضیان پناهندگی در این کشور را نتیجه اقدامات مثبت دولت برای جلوگیری از هجوم پناهندگان به آلمان توصیف کرد ، بر طبق گفته ایشان بیشترین رقم متقاضیان در آلمان طی سال گذشته رالهستانی ها به خود اختصاص داده اند ، که تعداد آنها ، ۱۵۱۹۴ نفر بوده است ، د و مین رقم در سال گذشته از آن ترکیه ، با ۱۱۴۲۶ نفر متقاضی و پس از آن ایرانی ها با ۶۵۳۸ نفر متقاضی ، گروههای عمده متقاضیان پناهندگان سیاسی را تشکیل داده اند . از کشورهای دیگر چون سریلانکا ۲۲۸۵ نفر ، پاکستان ۱۵۹۲ نفر ، افغانستان ۱۵۸۶ نفر ، چکسلواکی ۱۵۱۶ نفر . لازم به ذکر است که بیش از ده هزار نفر از این متقاضیان از طریق فرودگاه فرانکفورت وارد آلمان غربی شده و در آنجا تقاضای پناهندگی کرده اند .

اخبار کوتاه خارجی

بنگلادش

● در جریان اعتصاب عمومی در بنگلادش که با دخالت پلیس به خشونت کشید، حد اقل یکصد نفر از تظاهرات کنندگان در سراسر کشور زخمی شده اند. اعتراضات توده ای به رهبری احزاب اپوزیسیون در یکماه گذشته بر علیه حکومت ژنرال ارشاد و به هدف بازگرداندن دموکراسی به کشور همچنان ادامه دارد.

نیکاراگوا

● از روز ۲۸ ژانویه مذاکرات مستقیم بین دولت نیکاراگوا و ضد انقلاب بین کنترا در کستاریکا بمدت دو روز انجام شد. این مذاکرات که برای ایجاد آتش بس و پیش برد طرح صلح در آن کشور بود در این دو روزمذاکره به نتیجه نرسید. طرفین موافقت کردند تا در موردی مذاکره را در هفته دیگر در گواتمالا از سر گیرند.

موزامبیک

● وزارت بهداشت موزامبیک گزارش حملات و تخریب وحشیانه شبکه درمانی آن کشور توسط ضد انقلابیون "مقاومت ملی موزامبیک" که توسط نژاد پرستان آفریقای جنوبی حمایت میشوند را منتشر کرده است. مطابق این گزارش ۳۰ درصد موسسات درمانی در مناطق موزامبیک توسط ضد انقلابیون در سال ۱۹۸۶ تخریب شد. آنها بکمدی بنامیت ساختمانهای درمانگاهها را منهدم میکنند. با این اقدامات کوچک آجباری مردم، حدود دو میلیون نفر از مردم موزامبیک از خدمات درمانی محروم شده اند. "یونیسف" - موسسه کودکان سازمان ملل - اعلام کرد که ۸۴ هزار کودک در ۱۹۸۶ بدلائل مربوط به جنگ تلف شده اند که همگی مرگهای قابل پیشگیری بوده اند که بعلت تخریب سیستم درمانی و کمبود تغذیه بعلت انهدام مزارع و حملات ضد انقلابیون بوجود آمده اند. گزارش یونیسف یکی از علل مرگ و میر بالای اطفال در موزامبیک که از مرگ و میرهای بالا در سطح جهانی است (۳۲۵ در هزار) را بعلت جنگ میدانند.

ترکیه

● پس از ۱۳۶ روز اعتصاب، کارکنان و کارگران فروشگاههای زنجیره ای "میکروس" به شکست دادن مقاومت سرمایه به خواسته های خود دست یافتند. سندیکای "ترکوپ ایش" که رهبری این اعتصاب را برعهده داشت در روز ۲۹ دسامبر ۱۹۸۷ همه خواسته های اعتصاب را بر کارفرمایان تحمیل نمود. "وهیبی کوچ" یکی از صاحبان سرمایه بزرگ در ترکیه، که غیبت از فروشگاههای زنجیره ای "میکروس" در آنها واحد بزرگ صنعتی دیگری را اختیار کرده است، در سال مالی ۱۹۸۷، ۲۷۰ میلیارد لیره از کرده کارگران و زحمتکشان ترک سود برد است. در آغاز اعتصاب اگرچه او دولت حامی اش کارگران را تهدید کرد بود و ندهد که هیچکدام از خواسته هایشان پاسخ نخواهند داد، اما در مقابل مقاومت یکپارچه کارکنان و رهبرانش یکا که یکی از کارکنان زن است، وادار به تسلیم گردیدند.

فلسطین

● در برابر جنبش مردم گسترش یابنده خلق فلسطین در نوار غزه و کرانه غربی رود اردن، حکومت نژاد پرست صهیونیستها به تاکتیک های خشن تر و وحشیانه تری دست میزنند. نیروهای نظامی اسرائیل برای مقابله با جنبش با اعلام حکومت نظامی و محاصره اردوگاهها، گرسنگی و فشار را به پناهندگان ساکن اردوگاهها تحمیل می کنند. در هفت اردوگاه با ۲۰ هزار جمعیت مقسرات حکومت نظامی و منع عبور و مرور حاکم شده است. آژانس امداد سازمان ملل که مسئول رسیدگی به پناهندگان است اعلام کرده که در راه رساندن خواربار به پناهندگان نیست. نخست وزیر اسرائیلی در مصاحبه با روزنامه اورشلیم پست گفت فلسطینی ها باید با خطر مرگ روبرو باشند تا از جمله به اسرائیل خود داری کنند و از تیراندازی به تظاهرات کنندگان دفاع نمود. در مقابل رشد جنبش توده ای و برای کنترل آن هم در رده صهیونیستها شکاف افتاده و هم مرتجعین عرب برای جلوگیری از پیشروی آن به تقلا افتاده اند. مبارک، رئیس جمهور مصر، طرحی مبنی بر خود داری طرفین از خشونت بمدت ۶ ماه ارائه کرده است. تا به زعم او در این مدت راهحلی برای صلح یافته شود. جانب است که در برابر این طرح که مضمون اصلی آن توقف جنبش برای شش ماه است، اسرائیل ابراز مخالفت نمود است. مبارک تحرکات خود را با سفر به آمریکا و اروپا برای دخالت بیشتر در این مسئله افزایش داده است. طی ماه گذشته ملاقاتی بین شولتز، وزیر خارجه آمریکا، و بعضی رهبران فلسطینی که وابسته به سازمان آزاد بپخش و از جناح عرفات برای بحث حول مسئله فلسطین صورت گرفته است.

فیلیپین

● بر طبق ارزیابی سازمانهای حقوق بشر آمریکا، در فیلیپین امروزه حقوق بشر در مقامی بسیار دران حکومت مارکوس بصورت سیستماتیک و در ابعاد وسیع تری نقض می شود. طرفداران رژیم ارضی، فعالین اتحادیه های کارگری، و اعضای گروههای چریکی توسط گروههای دست راستی مسلح که از

جانب ارتش تسلیح شده و سازمان می یابند به قتل می رسند. تعداد اعضای جوخه های مرگ که از میان جوانان بیکار و اعضای کلیساهای بنیادگرا انتخاب می شوند به بیش از ده هزار می رسد که در بالغ بر ۱۰ گروه سازمان یافته فعالیت می کنند. در مقابل حزب کمونیست فیلیپین - ارتش نوین خلق - با اتکا به نفوذی که در میان توده های زحمتکش شهری دارد، اقدام به گسترش سازماندهی نظامی و مقابله با نیروهای دست راستی کرد است. واحد های انقلابی کمونیستها به ترور عناصر جاسوس و منفور که به توصیه تشکلهای توده ای و پس از بررسی در دادگاههای مخصوص صورت میگیرد، افزودند. همچنین جمله به پایگاهها و مزدوران آمریکا در سراسر فیلیپین را گسترش دادند.

کامیونالیسم و کانها در خلیج فارس

● دولت های انگلیس، فرانسه و بلژیک تصمیم گرفتند که ساحل در خلیج فارس را در اختیار وکلی - های مس ساحل خود را در خلیج فارس خارج نمایند. این کشور که تلاش بر همکاری در خلیج فارس به عنوان رسیده اند احزاب در لندن احتیاج کرده و مسائل بعد از خروج را بررسی کرده اند.

آلمان فدرال

● روز ۲۷ ژانویه یک آلمانی دیگر در بیروت توسط آدم ربایان حزب اللهی به گروگان گرفته شد. وزیر خارجه آلمان برای آزادی او به مراوداتی با ایران و سوریه اقدام کرد. در فرورد گاه فرانکفورت ملاقاتی بین گنشر و ولایتی در روز ۲ ژانویه حسین عبوری ولایتی از آلمان، صورت گرفت. گفته میشود این آدم ربایان توسط "عبدالهادی حمادی" از رهبران حزب اللهی لبنان و برادر عباس و محمد علی که در آلمان به اتهام هواپیما ربائی در زندان هستند، صورت گرفته است.

انگلیس

کنفرانس بین المللی "ایدز"

● به ابتکار سازمان بهداشت جهانی نمایندگان و وزرای بهداشت از بیش از صد کشور جهان برای بررسی بیماری ایدز و راههای همکاری برای مقابله آن از تاریخ ۲۶ ژانویه در لندن گرد آمده اند. در گزارش مسئول سازمان بهداشت جهانی آمده است که تا سال ۱۹۹۱، یک میلیون نفر به بیماری ایدز در سراسر جهان مبتلا خواهند شد. در حال حاضر حدود ۵ تا ۱۰ میلیون نفر به این ویروس آلوده شده اند. علاوه بر مرگ و میر وسیع این بیماری، فشارهای اقتصادی زیادی برای معالجه بیماران به کشورهای مختلف تحمیل میشود. مخارج انگلیس برای درمان این بیماری ۸۱ میلیون پوند در سال است. در این مورد همکاری بین آموزش مردم برای جلوگیری از شیوع بیماری بعنوان حلقه اصلی مقابله تاکید گردید. آموزش و مقابله با راههای اصلی ابتلا، که از طریق همجنس بازی و انتقال خون آلوده و یا مصرف سرنگ آلوده در تزریق می باشند، مورد تأکید قرار گرفت.

ادامه از صفحه ۱۲

دمکراتیزاسیون جوهر...

بروسه زسازی را بر اساس ارزشهای سوسیالیستی تعمیم کند.
در قسمت دیگری کوربا جفا داده ده که امروز "علیت" یا بدیهه را که روحیات دمکراتیک و روشهای مدیریت مبتنی بر کارائی کمک نماید، بخصوص مهم است که از تجربیات، تجربیات نو و دستاوردهای جدید پشتیبانی شود. کارائی بیشتر مورد نیاز است. دانشمندان را بطور وسیع شرکت دهید و نه فقط آنها را که مطلق اند. آنچه که مهم است کارائی، استحکام و هر آن چیزی است که مسائل زندگی واقعی را حل کند. ما مرحله حساسی را پیش روی داریم. ۲۰ تا ۳۰ سال آینده تعیین خواهند کرد که مسیر زسازی به کجا خواهد رفت، بنا بر این، هر کس با بدست به روندی که در جامعه در جریان است دقیق باشد.

برلین غربی:

زنده یاد پادنیوشا فرهی

ساعت ۵ بعد از ظهر روز ۲۲/۱/۸۸ مراسم برای بزرگداشت خاطره رفیق شهیدنیوشا فرهی در برلین غربی برگزار گردید. مراسم با نمایش فیلمی از زندگی و خودسوزی نیوشا آغاز گردید که تماشاگران را بسیار متاثر کرد. سوختن نیوشا همه دل‌های پاک را سوزاند و آتش کینه بی‌ارزوه‌جویان آنها را علیه رژیم‌تبهکار جمهوری اسلامی و بقایای سلطنت منحوس شعله‌ور ساخت.

عاطفه گرگین (همسرشاه شهید خسرو گل‌سرخ) پس از اعلام یک دقیقه کف زدن ممتد بیاد همه شهدا سخنانی کرده و چند شعر از جمله شعری در مورد نیوشا از سروده‌های خود را خواند. مقاله‌ای از طرف کمیته برگزارکننده و همچنین پیام‌کانون پناهندگان سیاسی ایران - برلین غربی بمناسبت همان شب خوانده شد.

مراسم با موسیقی دلنوا زمردک و کواچه جریانی خاتمه یافت. این مراسم از جانب کمیته هماهنگی نیروهای مترقی ایرانی در برلین غربی "متشکل از هواداران سازمان وحدت کمونیستی در اروپا - برلین غربی، انتشارات اتحادیه مبارزه سازمان دانشجویان ایرانی در آلمان فدرال و برلین غربی هوادار سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران - برلین غربی، هواداران کانون فرهنگی سیاسی خلق ترکمن - برلین غربی و هواداران سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) - برلین غربی ترتیب یافت. کانون پناهندگان سیاسی ایرانی - برلین غربی بعنوان حمایت کننده دیتادارک مراسم همکاری کرد.

گوتنبرگ - سوئد

گزارش برگزاری مراسم ۱۱دی

بی‌عدالتی در ایران همراه با موزیک نشان داده شد. سپس رفیقی دوشعرا ز رفیق حسن حساموشا ملورا خواند و بعد از آن از یک رفیق مبارز و هنرمند تقاضا شد شعری را که خودش سروده است، (نبرد اوین) بخواند.

آخرین قسمت برنامه با نمایش فیلم خودسوزی رفیق نیوشا فرهی و با مقدمه‌ای قبلاً از آن اجرا گردید و مراسم با سرود نترنا سیونال به پایان رسید.

واحد گوتنبرگ - سوئد ۸۷/۱/۲۲

از طرف واحد گوتنبرگ در روز یکشنبه هفدهم ژانویه ۸۸ در بزرگداشت یاد شهدای سازمان و در همبستگی با رفقای دربند، مراسم در مکان انجمن ایرانیان در گوتنبرگ برگزار گردید و جمعی از ایرانیان در این مراسم شرکت داشتند.

مراسم با یک دقیقه سکوت در احترام بویه یاد شهدای سازمان و دیگر شهدای راه آزادی و سوسیالیسم آغاز گردید و پس از آن پیام کمیته مرکزی سازمان (بمناسبت یاد هفدهم دی روز تجدید پییمان با شهدای سازمان) قرائت گردید.

بعد از آن اسلایدهای از فقر، ستم، کشتار و

پیروزی پناهندگان

و جالبتر از همه عقد "قرارداد" (یعنی اخذ تعهد) با "مهدی ابریشمی" است! یعنی شخصی که خود رسماً در سال ۱۹۸۶ بدنبال معامله با ایران و قطع امید از مجاهدین، اخراج شد و همراه رجوی به عراق رفت!

در حال هر چه بود یک پیروزی برای پناهندگان ایرانی و دومین شکست بزرگ - بعد از انحصار همگانی دانشجویان در سال گذشته - برای مقام عالی امنیتی پلیس فرانسه (پاسکوا) بحساب می‌آید که تاوان آنرا دولت دست راستی شیراک - پاسکوا، در انتخابات عنقریب آتی مشترکاً خواهند پرداخت.

صبح روز پنجشنبه ۱۴ ژانویه ۹ نفر از پناهندگان اخراجی، مستقیماً از گابون وارد فرانسه شدند و بقیه را به اسپانیا بردند تا با قدری تاخیر شاید بتوانند زمین از آبروریزی دولت بکاهند!

البته برای حفظ ظاهر قبالا دگاه تشکیلات دادند. آنهم مضحکه‌ای بیش نبود. زیرا قاضی نیز از نقض حقوق پناهندگان بوسیله دولت، شرمند بود و "اخراج دسته جمعی" شیزا قدامی غیر قانونی و خلاف عرف خوانده شد. در مقابل این اتهام که آنها - بعضاً بهنگام تبلیغات "دم‌مبر کرده‌اند" با زاج‌ناب و کیلی عنوان شد: "جریمه چندین اقدامی ۶۰۰ فرانک پول یا حداکثر ۵ روز زندان است!"

جمعیت ایران

تا ۸۰ سال آینده به یک میلیاردر نفر میرسد!

۱۹ ژانویه ۸۸

جمعیت دنیا پس از کشور غنا دومین کشور است. وی افزود، پیش‌بینی میشود با این نرخ رشد، جمعیت کشور در ۲۲ سال آینده ۲ برابر و در ۴۵ سال آینده به ۲۰۰ میلیون نفر و در ۸۰ تا ۸۵ سال آینده به یک میلیارد نفر برسد.

رئیس سازمان ثبت احوال اعلام کرد با توجه به رشد جمعیت تا ۴۵ سال آینده جمعیت کشور به ۲۰۰ میلیون نفر خواهد رسید. علی‌اکبر رحمانی معاون وزیر کشور و رئیس سازمان ثبت احوال گفت نرخ رشد جمعیت ایران ۳/۹ است که از نظر نرخ رشد

لیست کمکهای مالی (کرون)

ب	۳۲۱
م	۷۵۷۲
س	۳۲۳
امیر	۱۰۰
هوادار	۴۲۶۰
م - ل	۵۲۰
ن - ا	۵۳۰
بهرنگ	۳۷۱
علیرضا شکرهی	۱۰۳۲
ح	۷۱۲
منابت	۱۲۲۷

اخراج کارداران از فرانسه

غلامرضا حدادی کاردار رژیم دفرانسه اخراج شد. با وجود اینکه چندین ماه از قطع روابط رسمی ایران و فرانسه و جنگ سفارتخانه‌ها میگذرد کاردار رژیم همچنان در فرانس به فعالیت دیپلماتیکش ادامه میدهد است. این اخراج که در سیستم ژانویه و زهرش را فکار عمومی و رسوایی‌های ناشی از اخراج پناهندگان ایرانی انجام گردید، خود نشانه آن است که مذاکره پشت پرده دولتهای ارتجاعی فرانسه و ایران همچنان برقرار بوده است.

آدرس پیام‌کارگر

POSTFACH
650226
1 - BERLIN 65

ALIZADI
B.P. 195
7-5564 PARIS
- CEDEX 12
FRANCE

برای تماس با سازمان اخراج کشور،
باشماره تلفن ۲۱۶۹۶۱۳ - ۳۰ - ۴۹
در برلین غربی تماس بگیرید. بدلیل
کنترل مکالمات تلفنی با اخراج از کشور توسط
رژیم اسلامی، مطلقاً تحت هیچ شرایطی
از داخل کشور با این شماره تلفن تماس
گرفته نشود.